



بهترین سال‌های  
زندگی ما

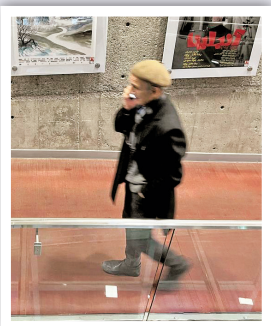
شب غریبان



شاپور عظیمی

برای بسیاری از منتقدان سینمایی، جشنواره فیلم فجر زمانی تمام شده تلقی می‌شود که مراسم اختتامیه برگزار و جوایز اهدا می‌شوند. برخی پیشواز می‌روند و جشنواره از اعلام نتایج برایشان به پایان می‌رسد. در ۲ روز آخر جشنواره به شکل اعلام نشده و هماهنگی، دوستان منتقد ناگهان آب می‌روند! در سینما مطبوعات آفتابی نمی‌شوند. کم و بیش دنبال کارت اختتامیه هستند. انگار نه انگار که هنوز فیلم‌هایی هستند که به نمایش درنیمده‌اند و جزو برنامه جشنواره‌اند. یک جورهایی حتی بخش پذیرایی جشنواره هم نشان می‌دهد که جشن به پایان رسیده است. دیگر از سرویس دهی دقیق روزهای ابتدایی و میانی جشنواره خبری نیست. تا به حال چندین باری شاهد آن دو روز کذایی جشنواره فیلم فجر بوده‌ام و اعتراف می‌کنم هرگز به مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر نرفته و ترجیح داده‌ام «تاریال آخر» فیلم ببینم. هرگز جذابیت حضور در مراسم اهدای جوایز را درک نکرده‌ام و کسی هم پیدا نشد که بنشیند برایم توضیح بدهد که چرا حضور در چنین مراسمی جزو واجبات است. ضمن اینکه حضور بیش از حد صمیمانه منتقدان سینمایی و اصحاب قدرت حاضر در رأس یک جشنواره سینمایی را درک نکرده‌ام که قطعاً این به قدرت پایین درک من مربوط است.

خلاصه در دسر تان ندهم. روز آخر بسیاری از دوره‌های جشنواره فیلم فجر، برایم تداعی کننده شام غریبان است. برنده‌ها و بازنده‌ها مشخص شده‌اند. سیم‌ها را آنها که باید به خانه می‌برند، اکنون برده‌اند. آنها که سیم‌ری نبرده‌اند، از همان فردای جشنواره به سیم‌ری دوره بعد فکر می‌کنند. اگر خارجی‌هایی به جشنواره آمده باشند، حالا دو روزی است به کشورشان برگشته‌اند. اما هنوز چند فیلم در برنامه جشنواره‌ام مانده که ندیده‌ام. کفش و کلاه می‌کنم. به جمع اندکی از منتقدان سینمایی ملحق می‌شوم که مثل خودم «پيله» هستند و آمده‌اند تاریال آخر فیلم‌ها را تماشا کنند. ما و آنها جشنواره را قاتوق کرده‌ایم و سر صبر به تماشا نشسته‌ایم. گاهی ما جشنواره را بیش از صاحبانش باور کرده‌ایم.



موجود زنده در برابر ماست. ابراهیم حاتمی کیا به شکل کاملی دوران‌ها و بزنگاه‌های تاریخ ایران بعد از انقلاب را با فیلم‌هایش نقطه‌گذاری کرده است. او شاید تنها تولیدکننده محصولات فرهنگی باشد که بتوان آثارش را مبنای تحلیل زیر متن رویدادهای ۴ دهه گذشته قرار داد.

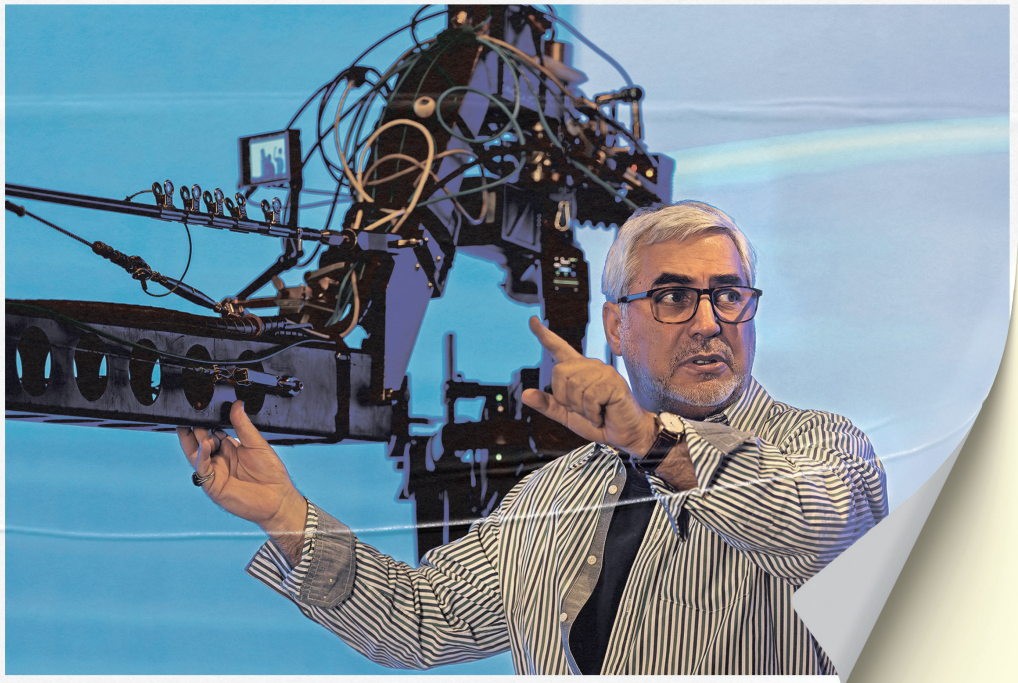
تازه‌ای می‌باید تا خروج که قهرمان فرسوده برای آب به جاده می‌زند، از نمایش تلویزیونی تا اکران سینما ماشین، از جلیل فرجاد کم‌سال تا فرامرز قریب‌بان کهنسال، از روایت فتح تا اوج و از ابراهیم حاتمی کیا ۲۵ ساله تا حاتمی کیا ۶۰ ساله تاریخ چالش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی مثل یک

علیرضا محمودی

از سال ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۰ از میانه جنگ تحمیلی تا میانه همه‌گیری کووید، از هویت که وصله ناچور یک بیمارستان مجروحان جنگی، شخصیت

مسیر تازه فیلمسازی ابراهیم حاتمی کیا

از هورتا نیل یک قرن می‌گذرد



عکس: مجید طالبی

در فیلم‌های این دوره حاتمی کیا داستانی برای خود دارند. با پایان قرن چهاردهم هجری شمسی هم‌زمان با همه‌گیری کووید و بحران جهانی کرونا انگار پرونده ارتباط تنگاتنگ تاریخ فرهنگی ایران بعد از انقلاب و فیلمسازی حاتمی کیا بسته شد. او با اعلام حضورش در یک پروژه تاریخ ادیان که بعد از گذشت فرج‌الله سلحشور بلا تکلیف مانده بود، انگار نقطه‌ای بر پایان خطی که با هویت شروع شده بود، گذاشت. انگار کارگردان ۶۳ ساله قصد دارد با انتخاب تاریخ بنی‌اسرائیل خود را از چالش بی‌وقفه جامعه پیچیده شده امروز ایران کنار بکشد. از او نقل قول فراوان به یاد داریم که همیشه به کنار کشیدگان و کنار آمدگان زهار می‌زد. در جشنواره‌ای که درباره یک سردار شهید ۲ فیلم و همچنان درباره یک رویداد در دهه ۱۳۶۰ دو فیلم نمایش داده می‌شود، فیلمساز اول تاریخ آن سال‌ها دور از هورتا در ساحل نیل اتراق کرده است. همه معتقدند که همه تاریخ، تاریخ معاصر است. شاید از دل انبوه جلوه‌های ویژه بصری روایت رویداد تولد پیامبر بنی‌اسرائیل، سیاسی‌ترین فیلم این روزگار به‌دست بیاید. در دهه ۱۳۶۰ مناقشه قلمی کم‌جانی بین خسرو دهقان و بهروز افخمی در شباهت جلوه‌ای از آثار ابراهیم حاتمی کیا و هوارد هاکس در گرفت. حالا بعد از گذشت این همه سال و اثبات بی‌ربطی آن بحث، تاریخ، شسوخ‌ی آن دو نفر را از یک لحاظ جدی کرد؛ همانطور که حاتمی کیا فیلمی درباره مصر باستان ساخت، هاکس هم فیلمی ساخته به نام سرزمین فراعنه.

و چالش‌ها دلایل تداوم معنایی مقاومت در زمان صلح ارائه می‌کنند. ۲ فیلم «از کرخه تا راین» و «خاکستر سبز» به این پاسخ‌ها سویه برون‌مرزی و بین‌المللی دادند. از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۹ از «ژانس شیشه‌ای» تا «گزارش یک جشن» فیلم‌های حاتمی کیا به بر خوردهای فکری اختصاص دارند که بخش‌های تازه ناهمگون شده نظام فکری جمهوری اسلامی با یکدیگر دارند. در این فیلم‌ها حاتمی کیا بر خلاف دوره اول فیلمسازی‌اش سعی می‌کرد به جای پاسخگویی به پرسشگری بپردازد. او در آثارش سعی می‌کرد حرفش را در مونولوگ قهرمان نخست فیلم‌ها بازتاب دهد. جامعه ایران در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ دو بار به بالاترین نقطه جوش سیاسی خود رسید. نسل‌های تازه‌نیامند پاسخ بودند. حاتمی کیا که خود را نمی‌توانست از جریان فکری که هنرمند بی‌مسئله را هنرمند نمی‌دانست، دور کند، او در این دوره سعی کرد دلیل اصلی مناقشات را در خالی بودن فضای گفت‌وگو میان نسل‌ها و طبقات بیان و غیبت تفاهم و نزدیکی فکری در اصول و مبانی را زمینه‌ساز خشونت اجتماعی و از هم گسیخته شدن طبقات معرفی کند. از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ ابراهیم حاتمی کیا بعد از به نمایش در نیامدن همیشه یکی از فیلم‌هایش وارد دورانی در فیلمسازی شد که فیلم‌هایش از لحاظ مضمون، امنیت ملی را در همه ابعاد به عنوان مهم‌ترین چالش مطرح می‌کردند؛ مضامینی چون همبستگی ملی، امنیت نیروی انسانی، امنیت منافع برون‌مرزی و حتی امنیت منابع جغرافیایی

تاریخ فرهنگی ایران بعد از انقلاب بیش از هنرهای تجسمی و ادبیات و تئاتر در سینما متجلی شده و در میان فیلمسازان این دوران کارنامه ابراهیم حاتمی کیا مناسب‌ترین دستمایه برای پیشنهاد نگارش متونی است که مولف قصد دارد ما را از کشاکش رویدادهای فرهنگی به عمق مناسبات ببرد. در دهه ۱۳۶۰ در دوران جدید هنر و هنرمند نظریه‌پردازی برای تعیین تکلیف هنر و هنرمند در دوران جدید بعد از انقلاب عبور از ظاهر برای رسیدن به باطن امور به عنوان وظیفه هنرمند تکرار می‌شد. در حالی که هنر قبل از انقلاب به ظاهر گرایی و بی‌دردی و بی‌ربطی در نسبت محتوا، مردم و مسائل اجتماعی متهم می‌شد، هنرمند اصیل با صفات همراهی با مردم و دغدغه‌مندی و تلاش برای رسیدن به معنای غایی مفاهیم توصیف می‌شد. در چنین فضای فرهنگی ابراهیم حاتمی کیا از فیلمساز آماتور جنگی به فیلمساز حرفه‌ای جنگی ارتقا پیدا کرد. در دهه ۱۳۶۰ تا نیمه اول دهه ۱۳۷۰ هم‌زمان با جنگ و تبعات این رویداد مؤثر و فراگیر، مهم‌ترین بحث بخش‌های مختلف جامعه ایران تفاوت جنگ و جنگاوری در نگرش فرهنگی بعد از انقلاب بود. شکل پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بحث‌ها را سمت و سویی دیگر داد. حاتمی کیا از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ با ساخت ۸ فیلم جلوه‌های متفاوتی از مضامین این بحث‌ها را در فیلم‌هایش بازتاب داد. هر کدام از این آثار انگار پاسخ‌هایی است که نظام فکری انقلاب به پرسش‌ها